

میرزا سنگلاخ خراسانی، خوش‌نویس مطرح دوره قاجار کتیب‌ه سه‌نُنی «بسم‌ا...» را در مصر نقش زد و نیت کرد که آن را به مشهد بیاورد اما تا امروز این مهم محقق نشده‌است

جای خالی این سنگ‌نوشت در حرم مطهر رضوی

لیلا کوچک‌زاده

خوش‌نویسی و خطاطی هنری است که در مشهد قدیم با نام سلطان علی مشهدی، از معروف ترین نستعلیق‌نویسان قرن نهم و دهم ایران گره خورده است. اما سه قرن پس از او نیز، خراسان نادره خوش‌نویس دیگری به خود می‌بیند، خوش‌نویسی که ۱۲۰ سال عمر می‌کند، دوران تاج‌داری سه پادشاه را می‌بیند، چون سر و همسری ندارد نیمی از عمرش را

به جهانگردی می‌گذراند اما تنها یک یادگار از خودش بر جای می‌گذارد، یادگاری نقش خورده بر سنگ که خط عشق است و حکایت یک شیدایی. روایت است که میرزا سنگلاخ خراسانی، ۲۷۰سال پیش در خراسان زاده‌شده است. ۲۵سال از عمرش را در مصر گذرانده و همان جاست که اثر بسیار نفیس خود با نام سنگ، بسم‌ا...، را حجاری می‌کندولی آنچه این سنگ سه‌تنی که کلمه «بسم‌ا... الرحمن الرحیم، روی آن باخط نستعلیق حکاکی شده‌وهم‌اکنون

در موزه تبریز نگهداری می‌شودراخاص می‌کند، نیت میرزا سنگلاخ از ساختش است. او در کتابش «تذکره الخطاطین» به صراحت گفته تمایل دارد سنگ بسم‌ا... به مشهد منتقل و در آستان ملائک پاسبان ثامن آل عبا حضرت امام رضا^(ع) جانمایی شود و عموم مردم از دیدنش بهره‌مند شوند. درخواست و آرزویی که تا امروز و با اینکه ۱۵۰سال از درگذشت این عارف خراسانی گذشته، برآورده نشده است.



شعر میرزا سنگلاخ در نعت حضرت رسول (ص) که در حاشیه سنگ بسم‌ا... حک شده است: «سخن گوی ای کلک شیرین کلام/ ز نعتِ محمد علیه‌السلام/ رسول عرب، شاه یثرب حرم/ غلام درش هم عرب هم عجم»

زندگی و زمانه خطاط ۱۲۰ساله خراسانی

تصویری از یکی از صفحات نخستین کتاب «تذکره الخطاطین» که شامل آمو میرزا سنگلاخ خراسانی در آن نقش بسته است



- خلق اثر هنری بی‌نظیر در مصر

میرزا سنگلاخ خراسانی در عصر محمدعلی پاشا، حاکم مصر (قبل از سال ۱۲۷۰هجری قمری) وارد قاهره می‌شود. محمدعلی پاشا مناصب حکومتی را به او پیشنهاد می‌کند ولی نمی‌پذیرد، بنابراین به او نظارت بر حجاری‌ها و سنگ‌نوشته‌های مسجد در حال احداثی که امروز به نام مسجد مرمر (مسجد محمدعلی پاشا) معروف است را می‌سپارند. میرزا سنگلاخ، مهندسانی را از کشورهای مختلف فرا می‌خواند و نزدیک به ۶۰کتیب‌ه سنگی نفیس از مرمر ناب را برای این مسجد سنگ‌نگاری می‌کند که یادگاری بسیار ارزشمند از هنر ایرانی در مسجد مرمر است.

ظاهر امیرزا در ۲۵سالی که ساکن مصر است با دیدن سنگ‌های مرمر و کیفیت آن‌ها و توانایی فوق‌العاده و منحصر به فردی که از نظر هنری و عملی در خود می‌بیند، به فکر حجاری یک کتیبه سنگی می‌افتد. نیتش هم این است که این کتیبه نفیس را با هزینه دولت عثمانی به مدینه منوره حمل کند تا روی قبر شریف حضرت رسول اکرم^(ص) جانمایی شود. بدین ترتیب در طی ۸سال سنگ مرمری را با وزن تقریبی سه تُن و ابعاد ۴متر × ۸۰سانتی‌متر در عرض یک متر و ۳۰سانتی‌متر و قطر ۳۵سانتی‌متر آماده می‌کند. در سال ۱۲۷۰هجری قمری (حدود۱۲۳۲) کار ساخت سنگ به اتمام می‌رسد. زمانی که او باید ۹۶سال داشته باشد. او در میان این سنگ، لفظ جلالة

«بسم‌الله الرحمن الرحیم» را با قلم سه‌دانگ نستعلیق می‌نویسد. خطی که اعجازش در آن است. در حاشیه آن نیز اشعاری به زبان فارسی و عربی و ترکی در مدح حضرت محمد^(ص) حجاری و تذهیب می‌شود. عبارت «راقمه سنگلاخ خامه روان/ زخامه تحفه برد سوی خواجه دو جهان» نیز در حاشیه این کتیبه که به سنگ بسم‌ا... معروف می‌شود، نقش می‌بندد. اما محمدعلی پاشا با انتقال سنگ موافقت نمی‌کند و می‌خواهد سنگ را بخرد اما این عارف خراسانی نمی‌پذیرد و این بیت را در وصف شاه می‌سراید: «حال جان بین که سرانش که‌اند/ نامزد و نامورانش که‌اند،

● **انتقال سنگ ۳هزارتنی به ایران**
او در نهایت تصمیم می‌گیرد سنگ را به ایران منتقل کند اما جابه‌جایی چنین کتیبه سنگینی بسیار دشوار است. بخت یار میرزا می‌شود که میرزا جعفر خان مشیرالدوله، سفیر کبیر ایران در بندر اسکندریه به او اطمینان می‌دهد که می‌تواند سنگ را به ایران بفرستد. آن‌ها سنگ را با یک کشتی و به وسیله آزاد و با زحمت و مرارت فراوان از قاهره و از مسیر بندر اسکندریه به قلیس و از مسیر کوهستان به تبریز می‌آورند. طوری که در مسیر ۱۲گاو تلف می‌شوند. آن‌ها در تبریز با استقبال باشکوه مردم رو به رو می‌شوند. میرزا سنگلاخ هم این اشعار را می‌سراید: «رسید سنگ به تبریز چون به خاور شید/ هزار چرخ برین است و صد فلک خورشید/ سپهر شد خجل از مهر و ماه رخشان/ کسی که یک نظر آن

سنگ دل ربا را دید.»

- آرزویی که به نتیجه نرسید**

سنگ بسم‌ا... پس از ورود به ایران در مسجد حضرت صاحب‌الزمان^(ع) سرخاب تبریز جانمایی می‌شود. اما داستان این کتیبه نفیس، قرار نیست به این راحتی پایان بپذیرد. چون میرزا سنگلاخ پس از ناکامی در انتقال سنگ به مدینه، به این فکر می‌افتد که این بار سنگ را با کمک ناصرالدین شاه به مشهد حمل کند و روی قبر حضرت ثامن‌الائمه قرار دهد. اما ظاهر این خواست نیز به علت سنگینی و نبودن

وسيله حمل برآورده نمی‌شود. میرزا با سنگ در تبریز می‌ماند و در ۱۷ صفر ۱۲۹۴ هجری قمری فوت می‌کند و در بقعه سیدابراهیم به خاک سپرده و به احترام او سنگ در دیواره بقعه نصب می‌شود. سنگ بسم‌ا... تا سال ۱۳۷۲خورشیدی در کنار مزارش بوده است. یکی از گل‌هایش هم سرقت می‌شود و پس از این است که برای مصون ماندن سنگ به موزه آذربایجان منتقل می‌شود. اما بدلی از سنگ ساخته شده و در کنار مقبره میرزا

سنگلاخ قرار می‌گیرد. قربانی که به احیای آثار نسخ خطی و قدیمی می‌پردازد و کتاب تذکره الخطاطین، میرزا سنگلاخ را احیا کرده، می‌گوید: میرزا سنگلاخ در صفحه ۶۹۴ این کتاب به موضوع انتقال سنگ به مشهد اشاره کرده و نوشته است: «اگر سعادت یاری نمایم و بخت مددکاری نماید، به امداد و تقویت‌اعلی حضرت به‌مشهد مقدس ارض اقدس خراسان... حمل می‌رسد که ظاهر ۲۰۰سفرش برجسته است. او بعد از مشهد، مدتی را در بخارا و سمرقند و کابل و مدتی را هم در آناتولی رم به سر می‌برد. اما سفرش به مصر به ۲۵سال اقامت در این کشور منتهی می‌شود که سرآغازی است برای نگاراندن سنگ نفیس بسم‌ا...»

سنگلاخ قرار می‌گیرد. قربانی که به احیای آثار نسخ خطی و قدیمی می‌پردازد و کتاب تذکره الخطاطین، میرزا سنگلاخ را احیا کرده، می‌گوید: میرزا سنگلاخ در صفحه ۶۹۴ این کتاب به موضوع انتقال سنگ به مشهد اشاره کرده و نوشته است: «اگر سعادت یاری نمایم و بخت مددکاری نماید، به امداد و تقویت‌اعلی حضرت به‌مشهد مقدس ارض اقدس خراسان... حمل می‌رسد که ظاهر ۲۰۰سفرش برجسته است. او بعد از مشهد، مدتی را در بخارا و سمرقند و کابل و مدتی را هم در آناتولی رم به سر می‌برد. اما سفرش به مصر به ۲۵سال اقامت در این کشور منتهی می‌شود که سرآغازی است برای نگاراندن سنگ نفیس بسم‌ا...»

مهدی قربانی، پژوهشگر

درباره «تذکره الخطاطین» که خوش‌نویسان خراسانی در آن معرفی شده‌اند

آملی در کتاب هزار و یک نکته که نوشته بودند: «تذکره الخطاطین میرزا سنگلاخ در موضوع خود ام دیگر تذکره‌ه‌است» مرا مشتاق به آشنایی و یافتن این کتاب که چاپ سنگی آن در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، ساخت. بدین گونه بدون اعمال تغییری در این کتاب با افزودن فهرست و سه نمایه (مکان‌ها، شخصیت، کتب و رسائل) و معانی ۳هزار لغت قدیمی کلمات آن را به اثری قابل بهره‌برداری برای اهل قلم و تحقیق تبدیل می‌کند. کتابی که در سال ۸۸ از سوی نشر قاف مشهدالرضا^(ع) در یک هزار نسخه چاپ و منتشر می‌شود و هم‌اکنون موجود نیست. عکس‌هایی از محل دفن و چهره‌اش و سنگ بسم‌ا... نیز به کتاب اضافه می‌شود.

اثر مهم میرزا سنگلاخ خراسانی، تذکره الخطاطین در یک هزار صفحه است که بین سال‌های ۱۲۸۸ – ۱۲۹۱ هجری قمری نوشتن آن را به پایان رسانده است. زمانی که میرزا سنگلاخ بیشتر از یک صدسال عمر داشته است. اثری ارزشمند که در آن به معرفی خطاطان خراسانی و شرح سفرهای با شمارش به‌سرتاسر جهان پرداخته است. این کتاب یک سال پس از فوتش در سال ۱۲۹۵ هجری قمری در تبریز که محل سکونتش است، به‌صورت چاپ سنگی به تعدادی نامشخص منتشر شده است اما قربانی که در سال ۸۶ با کتاب تذکره الخطاطین آشنا می‌شود و تصمیم به احیای آن می‌گیرد، می‌گوید: یک خط توضیح آیت‌ا... حسن حسن‌زاده



درنگ

گذری بر تاریخ حضور اقوام اهل سنت در مشهد و یادگارهای

بر جای مانده از آنان

محبتی که وقف شده‌است

طوبی اردلان

«وحدت» واژه زیبایی است که همیشه به عنوان یک شهر مهاجرپذیر با اقوام، گرایش‌ها و مذاهب مختلف نمود بیشتری دارد، خاصه در ایام ربیع‌الاول و میلاد مبارک حضرت ختمی مرتبت^(ص). علی نجف‌زاده در کتاب «گروه‌های مهاجر به مشهد» (از صفویه تاکنون) «درباره حضور اهل سنت در ارض اقدس می‌نویسد: «اهل سنت اقلیتی مذهبی در مشهد هستند که از چند صدسال پیش حضور داشتند و آثاری از آن‌ها باقی مانده است. مسجد شاه از جمله مساجدی است که تاریخ آن به ۸۵۵هجری قمری می‌رسد. این بنا که به آن مسجد ازبکیه هم می‌گویند، در طول دوره‌ای که از یک‌ها مشهد را در اختیار داشتند به فرمان امیرملکشاه ساخته شده و به آن مسجد سنی‌ها هم اطلاق می‌شده است.»

به گفته این پژوهشگر، اهل تسنن مشهد از لحاظ خاستگاه جغرافیایی و نژادی متنوع هستند. در اواخر دوره قاجار جمعیت زیادی از اهل سنت در شهر و حومه مشهد زندگی می‌کردند که شامل افغانستانی‌ها، هزاره‌ها، ترکمن‌ها و تیموری‌ها می‌شده‌اند. مرکز حضور آنان هم تا دو دهه پیش سرای شیخ فیض محمد در کوچه ارگ و حیطه حاج کلبعلی بوده است. بلوچ‌های سیستان و بلوچستان و خراسان گروه دوم اهل سنت در مشهد هستند که بر اساس پژوهش نجف‌زاده در دهه ۸۰، یک درصد جمعیت شهر را شامل می‌شده‌اند. گروهی که سال‌هاست با مسالمت و برادری شانه به شانه شیعیان ارض اقدس زیسته و نشست‌وبرخاست داشته‌اند.

- قرآن وقف عصر تیموری

محبت بین شیعیان و اهل سنت را همچنین می‌توان در موقوفات بسیار به جا مانده در آستان قدس رضوی نیز دید که قرآن وقفی پادشاه اهل سنت تیموری یکی از قدیمی‌ترین این موقوفات است. این قرآن که قدمت آن به اواخر قرن ۹ هجری قمری بازمی‌گردد را ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر، پادشاه تیموری هند در قرن ۱۱ هجری قمری وقف آستان مقدس رضوی کرده و نام‌زین العابدین بن محمدکاتب شیرازی هم به عنوان کاتب آن ثبت شده است. این قرآن از معدود کتب آسمانی با صفحات کامل (۶۳۲ ورق) است که در سال ۸۷۶هجری قمری بر روی کاغذ خانبالغ به رنگ نخودی نقش خورده است.

- آیه اطاعت به خط ثلث



تابلو خوش‌نویسی آیه «اطاعت» به خط ثلث و نستعلیق بر روی پوست، یکی دیگر از موقوفات اهل سنت است که از سوی لقمان احمدی مریوانی کتابت و از سوی امام جمعه مریوان در سال ۱۳۸۸ خورشیدی هدیه شده است. در توصیف این تابلو باید گفت عبارت «اطيعواالله و اطيعواالرسول واولی الامر منکم» در قسمت مرکزی تابلو به خط ثلث درشت نوشته شده است. در قسمت بالایی تابلو نیز آیه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و در قسمت پایینی اثر با قلم ریزتر همین عبارت «یا ایهاالذین امنوا اطيعواالله و اطيعواالرسول و اولی الامر منکم» به چشم می‌خورد.

- اهدای سکه و تمبر

در فهرست اهدایی‌های اهل سنت به آستان قدس رضوی همچنین می‌توان نام «نادر خیرالدین ابوالجبین» از فلسطین را هم دید که گویا مجموعه‌ای از تمبر و سکه که متعلق به ۲۰ کشور جهان از جمله ایران، بنگلادش، لیبی، سومالی، موریتانی، قبرس، سنگال، مالی و نیجرا به محوریت بیت‌المقدس، فلسطین، قبه الصخره، شهدای فلسطینی و روز جهانی قدس است را مشاهده کرد.

- یادگاری از ترکمن صحرا



محبت به اهل بیت^(ع) گاهی گل می‌شود و روی دار قالی نقش می‌بندد و جاودانگی می‌یابد. مثل محبتی که خودش را به شکل قالیچه ترکمن با هزار رنگ و نقش درهم تنیده نشان داده و وقف استان ملائک پاسبان امام رضا^(ع) شده است.

این قالیچه نفیس را هم گویا آخوندکمالی به نمایندگی از علمای اهل سنت و مردم ترکمن راز و جرگلان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ خورشیدی به رهبر معظم انقلاب هدیه و ایشان نیز آن را وقف آستان قدس‌رضوی نموده‌اند.